



عکس: ایران

## عمارتی که بادایی جان ناپلئون در آن زندگی کرده‌ایم سلفی با میراث رحیم خان

۱۰۷  
سال

حاج رحیم آن روز روزی در سال ۱۲۹۵ یعنی درست ۱۰۷ سال پیش، لایب فکرش را هم نمی‌کرد. خانهای که خرید، روزگاری درآینده تنها یادگار تهران قدیم در خیابان لاله زار باشد و میان آن همه مغازه الکتریکی و لوستر فروشی به زیست طولانی خود ادامه دهد.



### گزارش

مریم طاشی  
گزارش نویسنده

چراغ‌های چشمک‌زن و ریسه‌های رخشان و رقص نورهای رنگارنگ، امتدادی نورانی خلق کرده چوری که انگار خیابان بلند و باریک را پیراهنی سراسر پولک‌دوزی شده پوشانده باشند. لاله‌زار نورآدین شده، دیگرنشانی از قدیم ندارد. قدیم که می‌گویم، منظور خیلی قدیم

است و همان که مد شده بگویند تهران قدیم یا طهران قدیم. لاله‌زار دیگر آن لاله‌زار قدیم نیست و حالا همین است که هست - خیابانی با مغازه‌های پیوسته و ساختمان‌هایی که روزگارشان سپری شده و آدم‌هایی که هر روز این راسته همیشه شلوغ را گز می‌کنند و خاطراتی پراکنده از آنها به جای می‌ماند همان طور که از پیشینیان به جای مانده است؛ پیشینیانی که نام برخی‌شان به واسطه برخی امور هنوز به زبان می‌آید؛ یکی‌شان همین حاج رحیم اتحادیه تبریزی که تاجری بود اهل تبریز که با پدرش که از تاجران بنام

آذربایجان بود، به تهران آمد و هوس کرد خانه قاجاری امین‌السلطان صدراعظم مقتول ناصرالدین شاه، مظفرالدین شاه و محمدعلی شاه قاجار را از وارثان او بخرد و آن را به نام خود بزند. حاج رحیم آن روز روزی در سال ۱۲۹۵ یعنی درست ۱۰۷ سال پیش، لایب فکرش را هم نمی‌کرد خانه‌ای که خریده، روزگاری درآینده تنها یادگار تهران قدیم در خیابان لاله‌زار باشد و میان آن همه مغازه الکتریکی و لوسترفروشی به زیست طولانی خود ادامه دهد. خانه اتحادیه تابلو و نشانی ندارد اما می‌شود حدس زد که بنیستنی به

رحیم اتحادیه خانه را بین فرزندانش تقسیم کرده بود و از این رو این ملک شخصی محسوب می‌شد، ملکی که در سال ۱۳۸۴ ثبت ملی و در سال ۱۳۹۴ از سوی شهرداری تهران خریداری شد و پس از مرمت، در سال ۱۳۹۶ به روی بازدیدکنندگان گشوده شد اما از آنجا که مرمت آن کامل نشده بود، دوباره بسته شد و در نهایت مهرماه ۱۳۹۹ مرمت نهایی آن به پایان رسید. دروازه خانه اتحادیه از سال ۱۴۰۱ برای بازدید عموم گشوده شد و نوروز امسال اولین عیدی بود که می‌شد برای دید و بازدید سراغ خانه حاج رحیم رفت. البته که می‌شود این دیدار را به امین‌السلطان هم منسوب کرد که به هر حال مالک اولیه خانه است اما از آنجا که رحیم خان به دوره مان نزدیک‌تر است، شاید با او راحت‌تر باشیم و شما این جمله را اگر دوست داشتید به عنوان شوخی در نظر بگیرید.



### برای ورود به حیاط خانه

### باید اول از روی آب انبار

### بگذرید آن هم از روی شیشه.

### آب انبار زیر شیشه‌ای ضخیم

### واقع شده و جاهایی که گودتر است آدم را می‌ترساند، البته اگر شما از آن دسته افرادی باشید که بیم سقوط از جاهای بلند را داشته باشید. برای کسانی که نمی‌ترسند، این عبور برخلاف آنها که معمولاً کف زمین قرار گرفته‌اند، با دیواره‌ای سیمانی بالا آمده و روی دیواره را گیاهانی پیچک مانند فرا گرفته‌اند. غیر از آن حوض‌های دیگری هم با همین ساختار در حیاط دیده می‌شود اما این یکی از همه بزرگتر است. ساختمان مرکزی پشت حوض بزرگ است و همان جاست که سریال قدیمی و معروف ادبی جان ناپلئون را فیلمبرداری کرده‌اند و در واقع بخشی از معروفیت خانه به دلیل این است که لوکیشن آن سریال بوده‌است. زن و مردی جوان مشغول سلفی گرفتن با ساختمان آجری هستند؛

مثل خیلی‌های دیگر که نمی‌توانند از نمای زیبای ساختمان بی‌آنکه عکسی یادگاری بگیرند، بگذرند. پشتی ساختمان، درخت ارغوان بلندی است که گل‌های آن یکسر شکوفا شده‌اند و آدم خیال می‌کند کسی قلم برداشته و در رنگی ترکیبی از سرخابی و صورتی فرو برده و روی بوم لکه‌ای بزرگ پدید آورده است که بیش از هر چیز دیگر قرار است چشم را بگیرد. کودکی در حال دویدن، به فرمان مادر راهش را به طرف درخت ارغوان کج می‌کند و زیر درخت خیردار می‌ایستد تا مادر تصویرش را ثبت کند. تصاویر از آدم‌ها باقی می‌مانند و این‌چنین است که خودشان را در حافظه‌ها ثبت می‌کنند؛ مثل همان تصاویری که توی چند شهر فرنگ قدیمی که در حیاط کار گذاشته‌اند می‌شود دید. چشم می‌گذارم روی روزنه شهر فرنگ و مردهای کت شلواری آلاکارسن با موهای کتیرا زده به من خیره می‌شوند و با هم می‌خندند؛ مردان جوانی از دل دهه ۲۰ شمسی یکپو جان گرفته‌اند و با آن که حالا لایند استخوان خیلی‌هایشان زیر خاک پوسیده، آنطور حی و حاضر در درجه کوچک شهر فرنگ زندگی می‌کنند. بعد یک پسر نوجوان دوچرخه سوار می‌آید و از کنار خواروبارفروشی‌ها می‌گذرد و در مسیر گذرش یک بنز آبی و یک کادیلاک آلبالویی را هم پشت سر می‌گذارد و من چشم به

بچه دوچرخه سوار خیره می‌ماند تا وقتی که تصویر دوباره عوض شود و به دوره‌ای دیگر از تهران قدیم پرتابم کند. من تنها کسی نیستم که به شهر فرنگ و تماشای فیلم‌های داخل آن جلب شده‌ام. هر کس از راه می‌رسد، سری خم می‌کند و چشمی می‌گذارد تا دیدنی‌های آن درچه کوچک را از دست ندهد. برای بعضی‌ها یکی دو ثانیه بیشتر طول نمی‌کشد و برای برخی کمی بیشتر. حیاط پشتی خانه باصفا تر است. نمی‌شود وارد ساختمان واقع در آن شد اما می‌شود نرده‌های چوبی را گرفت و از پله‌ها بالا رفت و روی تراس ایستاد و به حوض بیعی که دور تا دورش را گل‌دان‌های شمع‌دانی به رنگ قرمز و صورتی پر کرده‌اند، چشم دوخت. آدم‌ها می‌آیند و از پله‌ها بالا می‌روند و روی تراس می‌ایستند و تماشا می‌کنند و می‌روند و روزهای دیگر آدم‌های دیگری می‌آیند و همین کار را می‌کنند، درست مثل آدم‌هایی که روزگاری از این پله‌ها بالا رفته‌اند از چشم‌انداز بهار خواب به منظره روبه‌رو نگاه کرده‌اند و حالا دیگر هیچ کدام‌شان نیستند. خانه قدیمی اما هست و اگر می‌توانست حرف بزند، چه داستان‌ها و چه رازهای مگوی داشت از ساکنانی که دیگر رفته و درگذشته‌اند. آنها رفته‌اند و زیستگاه‌شان مانده و به حیات طولانی خود ادامه می‌دهد.



### برش

رحیم اتحادیه خانه را بین فرزندانش تقسیم کرده بود و از این رو این ملک شخصی محسوب می‌شد، ملکی که در سال ۱۳۸۴ ثبت ملی و در سال ۱۳۹۴ از سوی شهرداری تهران خریداری شد و پس از مرمت، در سال ۱۳۹۶ روی بازدیدکنندگان گشوده شد اما از آنجا که مرمت آن کامل نشده بود، دوباره بسته شد و در نهایت مهرماه ۱۳۹۹ مرمت نهایی آن به پایان رسید. دروازه خانه اتحادیه از سال ۱۴۰۱ برای بازدید عموم گشوده شد و نوروز امسال اولین عیدی بود که می‌شد برای دید و بازدید سراغ خانه حاج رحیم رفت

## جدول روزنامه ایران دارای دو «شرح عادی و ویژه» است. در صورت تمایل به حل شرح ابتدا یکی از شرح‌ها را با مداد حل کرده و سپس با پاک کردن جواب شرح اول، به حل شرح دوم بپردازید.

**یک جدول با دو شرح**  
 ۱- خودم - مغازه بازاری - از لایه های چشم  
 ۱۱- زمان طولانی - متحرک - کلام معتبر  
 ۱۲- چند کتاب- غنایی با کدو-آزاد-عازبه اختلال در تفلس  
 ۱۳- درجه تنظیم نور در دوربین- اثر سوختگی - ریخت و پاش  
 ۱۴- شهر «عراق» - موشواره - گشتی سواره  
 ۱۵- یک خانواده زبانی مربوط به منطقه قفقاز - کتاب «احمد المدینی» مراکشی

**عمودی:**  
 ۱- اثر «امبروزس بییرس» - استخوانی در روی مفصل زانو  
 ۲- پشت سر هم - داخل - ستاره  
 ۳- ردیف - عضو شای ماهی - نوآور  
 ۴- تیز- بیماری پوستی - مجازات شرعی - برهنه

**جدول عادی**  
 ۱- رنگ مرکباتی - نوعی از نان شیرینی خشک  
 ۲- آرزوها - جمع شیء - دپلماتیک  
 ۳- نوعی کف پوش - آبری نوروزی - بیماری پوستی  
 ۴- چین و چروک پوست - نشانه فعلی جمع - گردنکش - گشتی جنگی  
 ۵- بوئیدن - دنبال هم - اندازه گیری  
 ۶- شهرستان کرمانشاه - روکش لباس - زوبین  
 ۷- شانه بستر - کشور شگفتی ساز بیورو ۲۰۱۶  
 ۸- انجام کاری برخلاف میل - ضمیر مخاطب - نصف صورت  
 ۹- لبه چیزی - بررسی بدنی پزشک - افسرده  
 ۱۰- عدد منفی - درون - اتومبیل بزرگ نفت کش  
 ۱۱- گرم کدو - لجاجت، نافرمانی - رنج و محنت  
 ۱۲- ابزاری در خودرو - صوت ریختن آب - ضمیر بیگانه - واحد شمردن چارپا  
 ۱۳- اشعه مجهول - نوعی پاسکاری در فوتبال - نوعی مبل  
 ۱۴- کلید راه اندازی اتومبیل - ممکن - اسم دخترانه  
 ۱۵- غذای شیرازی - مکت، آهستگی

**عمودی:**  
 ۱- اقدام به انجام کار - گناه کار  
 ۲- دسته دسته - زینت لباس - عنصری شیمیایی  
 ۳- ستاره - نوعی حرابه دسته دار - ریخت، شکل  
 ۴- بانک خانگی - واضح و روشن - ریشه بدبوی پرخاصیت  
 ۵- ماده مؤثر جای - کنگره - واژگون  
 ۶- نه عربی - پناهگاه - داروخانه طبیعت!  
 ۷- سنگ گرانبهای سبزرنگ - دریاچه آشفته! - پرخور  
 ۸- رنگ بنفش بسیار روشن - آشفته به سم - ضد «گری»  
 ۹- واضح و روشن - کمیسر شهربانی - مابین  
 ۱۰- برابر و مساوی - یکی از رشته های ورزشی - پایتخت «ایتالیا»  
 ۱۱- چاشنی گوجه ای - گوش کردن - زنده شدن مردگان در روز قیامت  
 ۱۲- مرزبان و حاکم - صدای دریدن پارچه - زاپاس - فلز مادر  
 ۱۳- عکس العمل - واحد شدت برق - قطعی برای کتاب  
 ۱۴- کهن ترین بخش ادبیاتی اوستا - معین شده به صورت قانون، فرمان یا قرارداد - زبان اروپایی  
 ۱۵- پرنده خوش خوراک - اثری از دوره هخامنشی در «بrazجان»

**جدول ویژه شماره ۸۱۶۴**  
 ۱- چشمه‌ای دیدنی در جنوب شیراز - داستان «جان اشتاین پک»  
 ۲- کل و سراسر - وسیع - لطافت و ظرافت  
 ۳- گرم نورانی! - از لوازم تحریر - جزیره ایرانی  
 ۴- نام «دگارت» - قورباغه درختی - شهر «چشمه سرائچیک» - عددی ترتیبی  
 ۵- تنیس بین المللی - تاندون - سیاره خاکی  
 ۶- شهر «کره جنوبی» - دربار - پسوند شباهت  
 ۷- کشوری در قاره کهن - فیلم اصغر هاشمی - نبرد داس و علف!  
 ۸- شترنخ‌پاز عهد دیملی - نغمه - هوله  
 ۹- واژه بی‌زاری - نام قدیم شهر ابهر - حرکت

## جدول سودوکو

ارقام ۱ تا ۹ را طوری در خانه‌های سفید قرار دهید که هر رقم در سطرها، ستون‌ها و مربع‌های کوچک ۳ در ۳ یکبار دیده شود

**آسان**

	۴	۸	۷	۳	۲			
								۷

**سخت**


**خیلی سخت**


**حل جدول سودوکو شماره ۴۱۹۴**

۸	۴	۵	۱	۷	۲	۹	۳	۶
۳	۷	۶	۸	۵	۱	۲	۹	۴
۲	۹	۳	۷	۸	۶	۵	۴	۱
۶	۱	۲	۳	۴	۵	۷	۸	۹
۷	۸	۹	۱	۲	۳	۴	۵	۶
۹	۳	۷	۶	۵	۴	۱	۲	۸
۵	۶	۱	۲	۳	۴	۵	۷	۸
۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱	۲	۳
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱